

# عبدا... بود، در اسم و رسم

فردا سومین سالروز در گذشت استاد عبدا... فاطمی نیاست؛ عالمی اهل دل که با زبانی لطیف، اثر گذار

و کاربردی برای زندگی امروز، معارف اسلامی را بیان می کرد

سید مصطفی صابری | روزنامه نگار

پرونده

استاد سید عبدا... فاطمی نیا، مردی از جنس نور، عالمی اخلاق گرا و واعظی اهل دل بود که کلامش دل ها را آرام و جان ها را تسخیر می کرد. او از آن دسته انسان هایی بود که حضور شان دیگران را به تأمل وامی داشت.

زندگی استاد، همواره تلفیقی از ایمان، عرفان و اخلاق بود و همین ویژگی ها بود که او را فراتر از شخصیت یک واعظ مذهبی تبدیل به نمادی برای محبت، خلوص و صمیمیت کرد. آنچه استاد را منحصر به فرد می ساخت، نفوذ بی مانند کلامش بود؛ سخنانی که نه از روی نصیحت خشک، بلکه از عمق دل بر می آمد و دل نشین ترین پیام های انسانی را با زبانی لطیف، ساده و مهربان به قلب مخاطب می رساند. کلامش نه تکرار مکررات بود و نه آمرانه؛ بلکه از زندگی واقعی سر چشمه می گرفت. مردم حس می کردند که او پیش از هر چیز خودش عامل به هر جمله ای است که بر زبان می آورد. همین صداقت و عمل گرایی، سخنانش را به مراتب گران بها تر می کرد. استاد، نه تنها مخاطبان مذهبی و متدین را مجذوب خود می کرد، بلکه افرادی که شاید به دین تعلق خاطری نداشتند هم به او علاقه مند بودند. چرا که او دین را با چهره ای از محبت، اخلاق و انسانیت معرفی می کرد. وقتی خبر در گذشت استاد منتشر شد، فضای جامعه پر شد از پیام های تسلیت، عکس هایی از چهره متواضعش و نوشته هایی که محبت بیکران مردم به او را نشان می داد. استاد فاطمی نیا، انسانی بود که سخنش، نه فقط وعظ، بلکه دعوتی برای مهربانی و عشق بود. دعوتی که هنوز در خاطرات مردم زنده است.

### قطره ای از دریای عالم اخلاق

آیت... سید عبدا... فاطمی نیا عالم برجسته معاصر، استاد اخلاق، خطیب توانا و محققى ژرف اندیش بود که در سال ۱۳۲۵ شمسی در تبریز و در خانواده ای اهل علم و دین چشم به جهان گشود. پدرش، حجت الاسلام سید اسماعیل فاطمی نیا هم از علما و اهل معرفت بود و تأثیر زیادی در ورود فرزندش به عالم علم و سلوک داشت. آیت... فاطمی نیا که سال ها در عرصه های مختلف معارف اسلامی، عرفان، اخلاقی و تاریخ اسلام به تدریس، تحقیق و سخنرانی پرداخت با بیانی شیوا و دلنشین، نقش مؤثری در آشنا ساختن نسل امروز با مفاهیم عمیق اسلامی و سلوک عرفانی داشت. او از نوجوانی به حوزه علمیه وارد شد و دروس مقدمات و سطوح عالی فقه و اصول را نزد استادان برجسته ای همچون آیت... شیخ محمد تقی آملی، علامه طباطبایی و آیت... بهجت فرا گرفت. اما بیشترین تأثیر را از علامه طباطبایی پذیرفت و سال ها در محضر این عالم ربانی به فراگیری فلسفه، تفسیر و عرفان مشغول بود. همچنین می توان گفت آیت... فاطمی نیا بایک واسطه، از شاگردان مکتب عرفانی آیت... قاضی به شمار می رفت، چرا که تقریباً تمامی استادانش از شاگردان نزدیک حضرت آیت... قاضی بودند. ایشان علاوه بر تحصیلات حوزوی، مطالعات گسترده ای در حوزه تاریخ اسلام و رجال شناسی داشت و در این زمینه ها صاحب نظر بود. تخصص او در عرفان عملی و نظری هم کم نظیر بود و یکی از ویژگی های برجسته او توانایی



در ارائه آن ها با زبانی ساده، شیوا و تأثیر گذار بود، به گونه ای که جلسات اخلاق او در تهران و دیگر شهر ها همواره با استقبال گسترده مردم و علاقه مندان روبه رو می شد. از دیگر ویژگی های این عالم برجسته اخلاق، تواضع مثال زدنی بود که بارها توسط شاگردان و همراهان ایشان به عنوان مهم ترین خصوصیت اخلاقی او عنوان می شد. سخنرانی های ایشان در ماه مبارک رمضان، محرم و صفر، به ویژه در مسجد امیر المؤمنین (ع) تهران، از پر مخاطب ترین مجالس دینی کشور به شمار می رفت. همچنین حضور فعال او در صدا و سیما، به ویژه در قالب برنامه های مناسبی، نقش مهمی در ترویج معارف دینی ایفا کرد. آیت... فاطمی نیا سال ها با بیماری دست و پنجه نرم می کرد، اما هرگز از خدمت علمی و فرهنگی باز نایستاد. سرانجام در ۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۱، دارفانی را وداع گفت. پیکر او پس از تشییع باشکوه، در حرم حضرت معصومه (س) در قم به خاک سپرده شد.

### درس های زندگی در محضر استاد

استاد فاطمی نیا کلامی شیرین، تأثیر گذار و نافذ داشت و بخش زیادی از صحبتش ناظر به اصلاح رویه های مختلف در زندگی روز مره ما محسوب می شد؛ مجموعه چند جلدی «نکته ها از گفته ها»، منبع بالارزشی است از نکات اخلاقی و پندهای گره گشای زندگی که در لابه لای صحبت های ایشان بوده و چند سالی است در قالب کتابی گردآوری شده است. آن چه در ادامه می خوانید درس هایی کاربردی برای زندگی روزمره است که منبع بیشتر آن همان «نکته ها از گفته ها» است.

#### ● سخن حق را از همه بپذیریم

یکی از اصحاب امام صادق (ع) با زندقی (کافر) بحث کرد و او را مغلوب ساخت. پس از اتمام مناظره از حضرت پرسید که چطور با او بحث کردم؟ حضرت فرمودند: «خوب بحث کردی اما گاهی حق هایی را از او ضایع کردی». باید دقت کنیم که حتی زندقی هم ممکن است حق هایی داشته باشد که باید رعایت شود ولی متأسفانه ما این مسائل مهم را در جامعه و خانواده رعایت نمی کنیم. حتی با همسرمان هم بلد نیستیم چطور رفتار کنیم. اگر دیدیم جایی حق با اوست به جای لجajt، قبول کنیم. باید از مکتب امام صادق (ع) یاد بگیریم و عمل کنیم.

#### ● مشاجره نور باطن را خاموش می کند

بسیاری از بی حالی ها و عدم نشاط ها به خاطر مشاجرات و درگیری های لفظی است. کم منزلی داریم که در آن پر خاش و تندى نباشد! روزی چند تا پر خاش باشد، برکات را از منزل می برد. حتی اگر حق هم با تو بود، در امور جزئی و شخصی مشاجره نکن، چون کدورت می آورد.

#### ● به خانواده تان آرامش دهید

خبر های بد را هیچ وقت در خانه نگویید؛ تا به خانه می رسد، می گوید تصادفی را دیدم! نمی خواهد بگوید. اصلاً خبر های منفی را در منزل نگویید. شمارا به خدا قسم می دهم این ها را رعایت کنید؛ ضربه هایی به خانواده زده می شود که جبران نمی شود. چیز های پریشان کننده نگویید. به همسر و بچه ها آرامش دهید.

#### ● من تنم می لرزد از این جواب ها!

احوال پرسی ها را دیده اید؟ می پرسیم حالت چطور است؟ می گوید: «هی؛ زنده ایم!» من تنم می لرزد از این جواب ها! نعمات خدا را فراموش کرده ایم؟

#### ● مذمت دل شکستن

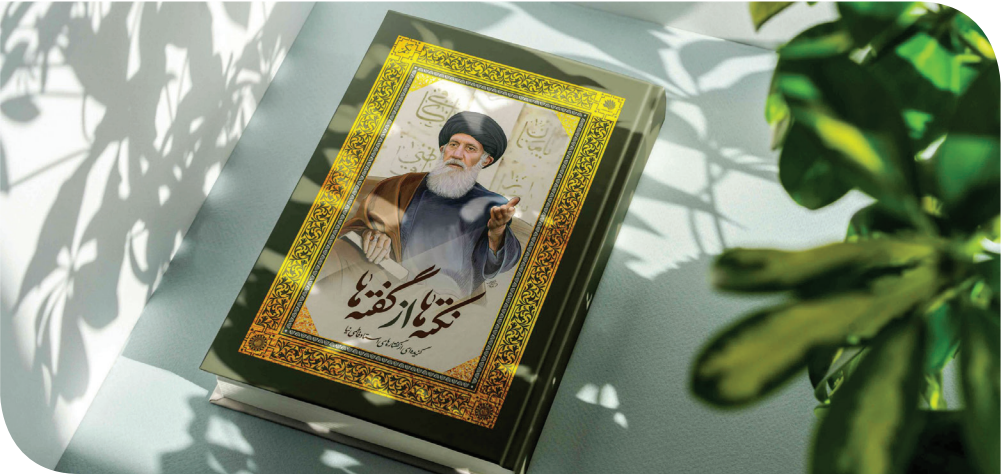
فردا در بازار قیامت می شود. فکر می کند خبری است. تعجب می کند. خدایا! پس چه شد؟ نماز ها، عمره ها؟ می گویند: تو دل شکستی. ربا کردی. زهر زبان ریختی. ببینید! ما درد دل می کنیم. جوان عزیز! اگر عروج می خواهی، می خواهی به جایی برسی از خانه خودتان شروع کن!

#### ● در درس های حسد

پاکی از حسد، چشم دانش و علم است. حسد، انسان را از برکات بسیاری محروم می کند. چه فتنه ها و آشوب ها که منشأ آن حسد است! انسان حسود، چشم دیدن حقیقت را ندارد؛ کور می شود.

#### ● تفاوت تواضع و انفعال

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام در خطبه همام ضمن بیان



ZENDEGI-SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

پنج شنبه • ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۴

۱۷ ذی القعدة ۱۴۴۶ • ۱۵ می ۲۰۲۵

شماره ۲۱۷۶۹

۲۹۸۸



خوبی بود، از شاگردان مرحوم آقا شیخ محمد حسین زاهد بود (شیخ محمد حسین زاهد، مرد بسیار خوب و با معنویت و اهل زهد و ورع بوده، نفسش قوی بوده و روح قوی ای داشته، حتی بعد از مرگش دیده بودند که بر شاگردانش اشراف دارد). آن دوست ما گفت: علت این که آن شخص فاسق عاقبت به خیر شد این بود که: شب عروسی اش، رفت توی اتاق عروس، دید عروس دارد گریه می کند؛ می فهمد که این گریه، گریه معمولی نیست، خیلی جدی است! علت گریه را می پرسد، عروس می گوید: «من به پسر عمویم علاقه مند بودم؛ مرا به او نداندند؛ الان هم حرفی ندارم که با تو زندگی کنم اما این را بدان که عمری را در ناراحتی خواهم بود!» این شخص بلافاصله از منزل می رود و عالم محل را پادو نفر شاهه می آورد و می گوید: من و کالت دادم که طلاق این دختر را بخوایند. طلاق را می خوانند. بعد می فرستند دنبال پسر عموی دختر و می گوید: عقد این ها را هم بخوانید. جوان را می آورند و عقد آن ها را می خوانند! وقتی که او چنین جوانمردی و فداکاری را می کند، پسر عموی دختر و می کند به او می گوید: «خدا تو را عاقبت به خیر کند!» همین که آن شخص (که معروف به فسق و فجور بوده و این گذشت را انجام می دهد) پایش را از اتاق می گذارد بیرون، متحول می شود، حالش تغییر می کند و در مسیر سعادت قرار می گیرد.

#### ● نخواست آبرو بردن

خدا چند گناه را نمی بخشد: ۱. عمدانماز نخواندن ۲. به ناحق آدم کشتن ۳. عقوق والدین ۴. آبرو بردن. این گناهان این قدر نحس هستند که صاحبانشان گاهی موفق به توبه نمی شوند. پس یکی از بزرگان علما که در زمان خودش استاد العلما بود برای من تعریف می کرد به پدرم گفتیم پدر تو دریای علم هستی اگر بنا باشد یک نصیحت به من بکنی چه می گویی؟ می گفت پدرم سرش را انداخت پایین بعد سرش را بالا آورد و گفت «ابروی کسی را ربن»! الان در زمان مایهتتی ها، مسجدی ها و مقدس ها آبرو می برند. عزیز من اسلام می خواهد آبروی فرد حفظ شود شما با این مشکل داری؟ دقت کنید که بعضی ها با زبانشان می روند جهنم؛ روایت داریم که می فرماید اغلب جهنمی ها از بندگان جهنمی زبان هستند. فکر نکنید همه شراب می خورند و از دیوار مردم بالا می روند یک مشت مؤمن مقدس را می آورند جهنم ای آقا! تو که همیشه هیئت بودی مسجد بودی بله تو ی صفوف نماز جماعت و جلسات هیئت می نشینند آبرو می برند.

#### ● شیطان قوی نیست ما به او رو می دهیم

شیطان را باید شناخت. شعار می دهند می گویند شیطان قوی است. نه شیطان قوی نیست؛ ما به شیطان رو می دهیم. ما بچه بودیم در محلات و خانه های پر درخت تبریز بازی می کردیم دیدیم ناله یکی از بچه ها بلند شد، یک بچه عقرب پیدا شده بود از بند انگشت هم کوچک تر بود. این بچه داشت سیاه می شد عقرب فقط یک لنگه کشش می خواهد. شما الان نمی توانید بگویید عقرب قوی است شیطان هم ضعیف است نگویید قوی است این طور بگویید روبه روی خدا ایستاده اید شیطان قوی نیست مودی است. خداوند در قرآن می فرماید کسی بر بنده من تسلط ندارد. تسلط شیطان بر کسانی است که دنبالش می روند. جوانان عزیز اخلاقتان را از بیاتر کنید نماز ها را مرتب بخوانید مسئله والدین را رعایت کنید و به وظیفه عمل کنید مطمئن باشید شیطان می رود.